**...** امروز روزيست که بحر رحمت ظاهر است و آفتاب عنايت مشرق و سحاب جود مرتفع بايد نفوس پژمرده را بنسائم محبّت و مودّت و مياه مرحمت تازه و خرم نمود احبّای الهی در هر مجمع و محفلی که جمع شوند بايد بقسمی خضوع و خشوع از هر يک در تسبيح و تقديس الهی ظاهر شود که ذرّات تراب آن محلّ شهادت دهند بخلوص آن جمع و جذبه بيانات روحانيّه آن انفس زکيّه ذرّات آن تراب را اخذ نمايد نه آنکه تراب بلسان حال ذکر نمايد إنّا أفضل منکم چه که در حمل مشقّات فلّاحين صابرم و بکلّ ذی روح اعطای فيض فيّاض که در من وديعه گذارده نموده و مينمايم مع همه اين مقامات عاليه و ظهورات لا تحصی که جميع ما يحتاج وجود از من ظاهر است باحدی فخر ننموده و نمينمايم و بکمال خضوع در زير قدم کلّ ساکنم ...

... بايد کلّ با يکديگر برفق و مدارا و محبّت سلوک نمايند و اگر نفسی از ادراک بعضی مراتب عاجز باشد يا نرسيده باشد بايد بکمال لطف و شفقت با او تکلّم نمايند و او را متذکّر کنند من دون آنکه در خود فضلی و علوّی مشاهده نمايند أصل اليوم أخذ از بحر فيوضاتست ديگر نبايد نظر بکوچک و بزرگی ظروف باشد يکی کفّی اخذ نموده و ديگری کأسی و همچنين ديگری کوبی و ديگری قدری امروز نظر کلّ بايد باموری باشد که سبب انتشار امر اللّه گردد حق شاهد و گواه است که ضرّی از برای اين أمر اليوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت ما بين أحباب نبوده و نيست اجتنبوا بقدرة اللّه و سلطانه ثمّ ألّفوا بين القلوب باسمه المُؤلّف العليم الحکيم از حق جلّ جلاله بخواهيد که بلذّت اعمال در سبيل او و خضوع و خشوع در حبّ او مرزوق شويد از خود بگذريد و در سايرين نگريد منتهای جهد را در تربيت ناس مبذول داريد امری از حق پوشيده نبوده و نيست اگر برضای حق حرکت نمايند بفيوضات لا تتناهی فائز خواهند شد اينست کتاب مبين که از قلم أمر ربّ العالمين جاری و ظاهر شد تفکّروا فيما نزّل فيه و کونوا من العالمين ...